



اگر
پزشکیان
نبود



برند کلی

شهریور ۱۴۰۴
هفته دولت
ویرانه‌نامه

دیپلماسی از مسیر اجماع

سیاست پزشکیان هزینه‌های تصمیم‌های بزرگ را کم کرد



[رحمن قهرمانپور]

[تحلیلگر ارشد مسائل بین‌الملل]

تصمیم به مذاکره، حتی اگر نتیجه فوری نداشته باشد، یک پیام مهم به داخل و خارج فرستاد: جمهوری اسلامی دنبال تنش نیست و آماده توافق منصفانه است. مصداق دیگر، پذیرش آتش بس در جنگ اخیر است. خیلی‌ها در داخل اصرار داشتند که جنگ ادامه پیدا کند، اما دولت پزشکیان از آتش بس حمایت کرد. این تصمیم تعیین‌کننده بود. یا مثلاً بحث مکانیسم ماشه (اسنپ‌بک) در شورای امنیت: دولت با تلاش‌های دیپلماتیک، جلوی فعال شدن آن را گرفت یا دست‌کم به سمت تمدیدش حرکت کرد. اینها دستاوردهای مرموزی هستند که شاید در تیتروژنامه‌ها نیابند، اما در جلوگیری از بحران نقش کلیدی دارند. اگر سیاست‌های دیگری در پیش گرفته می‌شد، مثلاً رویکرد تقابلی رقیب، احتمالاً حالا با تحریم‌های سنگین‌تر یا حتی درگیری نظامی روبه‌رو بودیم.

● رقیب چه می‌گوید؟ رتوریک سیاسی یا نقد واقعی؟

جناح مقابل اما این دستاوردها را قبول ندارد. می‌گویند تمرکز پزشکیان بر مذاکره و ادبیات نرمش، نشانه انفعال یا ضعف است. ادعا می‌کنند اگر قدرت نظامی و هسته‌ای ایران تقویت می‌شد، نیازی به مذاکره نبود یا دست‌کم در مذاکرات دست بالا را داشتیم. این حرف‌ها تازه نیست. در ادبیات سیاسی به این می‌گویند «رتوریک سیاسی» یا همان لفاظی‌های حزبی. رقیب همیشه باید چیزی برای گفتن داشته باشد. هیچ حزبی در رقابت سیاسی نمی‌آید دستاوردهای رقیبش را تحسین کند؛ این طبیعت بازی قدرت است. اگر پزشکیان ۹۰ درصد کار را درست انجام دهد، رقیبش می‌گوید چرا ۱۰ درصد بقیه را خراب کردی؟ این دعوای همیشه بوده و خواهد بود.

به نظر من، دولت نباید دنبال این باشد که مخالفانش را ساکت کند چرا که این شدنی نیست. در عوض، باید کارش را بکند، از سیاست‌هایش دفاع کند و ائتلافی از حامیان بسازد. پزشکیان از مردم رأی گرفته که تغییرات مثبت ایجاد کند. وظیفه‌اش این است که دور سیاست‌های درستش، مثل مذاکره و اجماع‌سازی، یک ائتلاف قوی شکل دهد. اگر بتواند ذی‌نفعان و هواداران بیشتری برای سیاست خارجی‌اش جمع کند، موفقیتش تضمین‌شده‌تر است. اینکه رقیب چه می‌گوید، نباید معیار عملکرد دولت باشد.

● اگر رقبا برنده می‌شدند چه می‌شد؟

حالا فرض کنیم جناح مقابل انتخابات را برده بود. چه اتفاقی می‌افتاد؟ تجربه دولت قبل نشان داد که حتی با یک‌دست شدن حاکمیت، سیاست خارجی نمی‌تواند فقط با شعار پیش برود. اما تفاوت بزرگ این بود که رقبای پزشکیان اساساً به دیپلماسی اعتقادی ندارند. اگر آنها قدرت را می‌گرفتند، احتمالاً مذاکرات هسته‌ای متوقف می‌شد، تنش با آمریکا و اسرائیل بالا می‌گرفت و ایران در معرض تحریم‌های جدید یا حتی درگیری نظامی قرار می‌گرفت. آتش بس اخیر بعد بود اتفاق بیفتد یا احتمالاً فعالیت برای جلوگیری از مکانیسم ماشه صورت نمی‌گرفت. در عوض، شاید با قطعنامه‌های جدید شورای امنیت روبه‌رو می‌شدیم، مثل دوران احمدی‌نژاد که شش قطعنامه پشت سرهم آمد. بدون اجماع‌سازی پزشکیان، کشور قطبی‌تر می‌شد. این قطبی‌سازی نه تنها در داخل اختلافات را عمیق‌تر می‌کرد، بلکه در صحنه جهانی هم ایران را منزوی‌تر می‌ساخت. پزشکیان با رویکردش، هرچند ناکامل، حداقل جلوی بدتر شدن اوضاع را گرفت. او نشان داد که می‌شود در چهارچوب نظام، دیپلماسی را پیش برد و از بحران دوری کرد.

● حرف آخر: پزشکیان، یک انتخاب ضروری

دولت پزشکیان با تمرکز بر اجماع‌سازی و دیپلماسی از تشدید تنش‌ها جلوگیری کرد. مذاکره، آتش بس و جلوگیری از فعال‌سازی اسنپ‌بک، دستاوردهایی هستند که در برابر رتوریک رقبا، ارزش خود را دارند. اگر رقیبش برنده می‌شد، احتمالاً با انزوای بیشتر، تحریم‌های سنگین‌تر و خطر جنگ پیوسته روبه‌رو بودیم. پزشکیان در چهارچوب نظام، راهی را رفت که هزینه‌های تصمیم‌های بزرگ را کم کرد و امید به گشایش را زنده نگه داشت. اما این کافی نیست. حکمرانی کشور باید این اجماع‌سازی را تقویت کند و راه را برای مشارکت ایرانیان خارج از کشور باز کند. بدون اینها، حتی پزشکیان هم نمی‌تواند معجزه کند. انتخاب او اما نشان داد که در میان گزینه‌های موجود، بهترین بود و نبودش می‌توانست ما را به روزهای تاریک‌تری ببرد. 

پزشکیان در
چهارچوب
نظام، راهی
را رفت که
هزینه‌های

تصمیم‌های
بزرگ را کم
کرد و امید
به گشایش
را زنده نگه
داشت. اما این
کافی نیست.
حکمرانی
کشور باید این
اجماع‌سازی
را تقویت کند
و راه را برای
مشارکت
ایرانیان خارج
از کشور باز
کند

● چهارچوب نظام: هیچ رئیس‌جمهوری «فری استایل» نیست

برای فهم ماجرا، اول باید یک واقعیت را روشن کنیم: هیچ رئیس‌جمهوری در ایران نمی‌تواند سیاست خارجی را کاملاً به دلخواه خودش پیش ببرد. تجربه دولت سیزدهم در سال ۱۴۰۰ این را به خوبی نشان داد. آن زمان، خیلی‌ها فکر می‌کردند یک‌دست شدن حاکمیت با اصولگرایان، مشکلات دیرینه مثل رابطه با آمریکا را حل می‌کند یا حداقل به رویکردی انقلابی‌تر منجر می‌شود. اما چه شد؟ نه رابطه با آمریکا درست شد، نه درگیری تمام‌عیاری رخ داد. چرا؟ چون نظام سیاسی ایران چهارچوبی دارد که هر رئیس‌جمهوری، چه اصلاح‌طلب چه اصولگرا، باید در آن بازی کند. پزشکیان هم از این قاعده مستثنی نیست. او با محدودیت‌هایی روبه‌روست که آزادی عملش را محدود می‌کند. پس وقتی از عملکرد سیاست خارجی‌اش حرف می‌زنیم، باید این چهارچوب را در نظر بگیریم.

● دستاورد بزرگ: اجماع‌سازی به جای قطبی‌سازی

چه چیزی پزشکیان را متمایز کرد؟ برخلاف دولت‌های قبلی، او روی یک کلیدواژه پافشاری کرد: اجماع. صراحتاً گفت اگر اجماعی در داخل حاکمیت شکل نگیرد، مذاکره نمی‌کند. این برای من، به عنوان یک تحلیلگر نقطه قوت بزرگی است. یادمان نرود که برجام چرا زمین خورد؟ چون اجماع داخلی پشتش نبود. اختلافات داخلی آن را به گروگان گرفت و تبدیلش کرد به موضوع دعوای سیاسی. پزشکیان اما راه دیگری رفت: سعی کرد به جای قطبی‌سازی، وفاق ایجاد کند. این کار آسان نیست. در کشوری مثل ایران، با شکاف‌های سیاسی عمیق، دو جریان اصلی گاه به نظر می‌رسد هیچ نقطه مشترکی ندارند. اما تجربه‌های جهانی-مثل اندونزی یا ترکیه-نشان می‌دهد وقتی حاکمیت روی یک موضوع اجماع کند، تصمیم‌های بزرگ شدن می‌شوند. در مقابل، وقتی کشور قطبی می‌شود، حتی فکر کردن به تصمیم‌های بزرگ هم غیرممکن است. این اجماع‌سازی چه فایده‌ای دارد؟ ساده است: هزینه تصمیم‌های بزرگ در سیاست خارجی را کم می‌کند. اگر امروز بخشی از جامعه و نیروهای سیاسی خواستار گشایش در سیاست خارجی هستند، اجماع‌سازی می‌تواند این مسیر را هموار کند، بدون اینکه کشور بهای سنگینی بپردازد. پزشکیان با این رویکرد نشان داد که امکان وفاق وجود دارد و این خودش یک دستاورد است.

● مصداق‌های موفقیت: از آتش بس تا جلوگیری از ماشه

حالا بیایید مصداقی نگاه کنیم. آیا این اجماع‌سازی در یک سال گذشته نتیجه ملموسی در سیاست خارجی داشته است؟ من می‌گویم بله، هرچند شاید نه آن قدر درخشان که برخی انتظار داشتند. بگذارید با یک اصل سیاست شروع کنیم: شرایط همیشه می‌تواند بدتر از چیزی که هست، شود. دولت پزشکیان با تمرکز بر مذاکره و دیپلماسی، مانع بحرانی‌تر شدن اوضاع شد. اگر مذاکراتی در کار نبود، اگر تنش‌ها بالا می‌گرفت، چه بسا آمریکا، در همراهی با اسرائیل، فشارهای بیشتری به ایران وارد می‌کرد. وضع موجود ایده‌آل نیست، قبول؛ اما